

باشد از نظر دولت ایران اعاده حیثیت حاصل شده آیا از این ارفاق قانونی استفاده خواهد کرد؟

بدیهی است رفتار متقابل و قاعده معامله متقابل اقتضا خواهد کرد که جرم از نظر کشوری که باید سند تابعیت بدهد خواهد بود و اعاده حیثیت هم از قواعدی است که برای چنین شخصی مورد استفاده واقع خواهد شد تا با چنین تسهیلاتی اشخاص بتوانند بتابعیت ایران نایل گردند.

بقلم : آقای دکتر ملک اسمعیلی

مسئولیت جزائی

در شماره قبل پاره از مقررات مربوط به قیمومت و نگاهداری اطفال و مقررات قانون مدنی راجع با اداره اموال صغیر که مستقیماً تأثیر در جرائم اطفال دارد مورد نظر واقع شد و بحث باینجا رسید که قیم نمیتواند بدون ضرورت و احتیاج برای صغیر قرض نماید و قانون اضافه مینماید که قیم نمیتواند دعوی مربوط بصغیر را اصلاح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم و ماده ۱۲۴۳ قانون مدنی مقرر میدارد که در صورت وجود موجبات موجه دادستان میتواند از دادگاه شهرستان تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع با اداره اموال صغیر بخواهد تعیین نوع این تضمین را قانون

بنظر دادگاه گذازده و اگر قیم برای تضمین دادن حاضر نشود از قیمومت عزل میشود. بالاینکه همه نوع احتیاط نسبت به تعیین قیم شده با وجود این قیم مکلف است که حساب اداره اموال صغیر را نگاه داشته و صورتی برای عایدی و مخارج نگاهداری اموال و تربیت صغیر تنظیم نماید و جزء وظایف قیم است که لااقل سالی یکمرتبه حساب تصدی خود را بدادستان یا نماینده او بدهد و اگر در ظرف یکماه از تاریخ مطالبه حساب ندهد بتقاضای دادستان معزول میشود.

همچنین قیم مکلف است که حساب زمان تصدی خود را بصغیری که کبیر شده است بدهد و قانونگذار هم زحماتی را که قیم برای اداره اموال صغیر متحمل میشود بدون مزد نگذاشته ریر اقیم میتواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل میشود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی صغیر تعیین می شود علاوه بر این مدعی العموم میتواند اعمال نظارت در امور صغیر را کلاً یا بعضاً باشخاص موثق یا هیئت یا موسسه واگذار نماید شخص یا هیئت موسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارات وارده بصغیر خواهند بود مواردی را که قیم عزل میشود قانون بقرار زیر تعیین نمود.

- ۱- اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود.
- ۲- اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه های ذیل شده و بموجب حکم قطعی محکوم گردد سرقت - خیانت در امانت - کلاه برداری - اختلاس - هتك ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت باطفال - ورشکستگی به تقصیر یا تقلب.
- ۳- اگر قیم بعلتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی صغیر را اداره کند.
- ۴- اگر قیم ورشکسته اعلان شود.

- ۵- اگر عدم لیاقت یا توانایی قیم در اداره اموال صغیر معلوم شود.
- ۶- وقتی که قیم مالی را که متعلق بصغیر بوده عمداً جزء صورت دارایی او قید نکرده و حتی حاضر بدادن تضمین برای اداره اموال صغیر ننمود.
- ۷- هر گاه پس از تاریخ مطالبه حساب از طرف دادستان تا یکماه حساب ندهد.
- اگر قیم مجنون یا غیر رشید گردد معزول میشود و نیز هر گاه قیم در امر مربوط باموال صغیر یا بعلت ارتکاب جنحه یا جنایت نسبت بشخص او مورد تعقیب واقع شود محکمه بتقاضای مدعی العموم قیم دیگری موقفاً برای اداره اموال صغیر معین خواهد کرد.
- بطوریکه قبلاً شرح داده شد طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر وجد پدری خود میباشد و اگر هیچکدام از آنها حیات نداشته باشند باید قیمی برای طفل صغیر تعیین شود قیم مذکور را از بین خویشاوندان نزدیک قاعده پیشنهاد مینمایند و اولویت بامادر است بعبارة اخیری مادر قیم قهری طفل نمیباشد و باید او را هم مثل سایر خویشاوندان بقیمومت تعیین نمود.
- حال اگر زن بی شوهری ولو مادر صغیر که سمت قیمومت تعیین شده شوهر اختیار کند باید مراتب را در ظرف یکماه از تاریخ انعقاد نکاح بدادستان شهرستان حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد در اینصورت دادستان یا نماینده او میتواند بارعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر نماید و اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر بمدعی العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی العموم میتواند تقاضای عزل او را نماید قانون مدنی ایران پس از شرح وظایف و موارد عزل قیم مقرر میدارد که پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع میشود بعبارت دیگر دوره صفر که تمام شد قیمومت از بین رفته و کبیر اختیار اموال خود را خواهد داشت و خروج از تحت قیمومت را هم ممکن است خودصغیر

یا هر شخص ذینفع دیگری تقاضاً نماید تقاضانامه توسط دادستان حوزه که صغیر در آنجا سکونت دارد یا نماینده او بدادگاه شهرستان همان حوزه داده میشود البته دادستان یا نماینده او باید قبلاً نسبت به تمام شدن دوره صغر تحقیقات لازم بعمل آورده و نتیجه تحقیقات را در دادگاه شهرستان اظهار نماید.

با ذکر وسائل مبارزه با جرائم اطفال و یادآوری مقررات قانون مدنی ایران راجع بحفظ و تربیت اطفال که در صورت اجرای صحیح آنها تاثیر بسزائی در عده جرائم اطفال پدید خواهد آمد بی مناسبت نیست بوضعیت قوانین کشورهای دیگر اشاره شود تا کاملاً سیر تدریجی و تکاملی قوانین راجع باطفال و نتیجه که از آنها عاید جامعه میشود روشن گردد.

اصولاً فکر ایجاد یک رژیم مخصوص در باره اطفالی که گرد مجرمیت میگردند همیشه حتی در دوره های قدیم مطمح نظر بوده است در آن ادوار فرض عدم مسئولیت مطلق اطفال کمتر از هفت سال عمومیت داشته است و در غالب قوانین نسبت باطفالی که سالهای اولیه زندگی را میگذرانند فرض عدم مسئولیت را اتخاذ کرده و معتقد بودند که اصولاً طفل در این سن نباید مورد تعقیب واقع شود چون نمیتواند مسئول اعمال خود باشد در موقع انقلاب فرانسه این فکر جای خود را باصل دیگری داد و موضوع ممیز و عدم ممیز پیش آمد و بجای اینکه بگویند طفل در این سن ابدأ مسئولیت ندارد علمای فن عقیده مند شدند که اطفال در این سن غیر ممیز هستند یعنی تمویز خوب و بد را نمیدهند.

در ۱۸۱۰ مجموعه قوانین جزائی کشور فرانسه برای اطفال کمتر از ۱۶ سال رژیم مخصوصی را در نظر گرفته بود چون در آنوقت سن بلوغ ۱۶ سال تعیین شده بود اصولاً اطفال را در مقابل محکمه جنحه باید محاکمه میکردند حتی برای جنایات بدین شرح که اگر طفلی مرتکب قتل هم میشد و سنش کمتر از ۱۶ سال بود در محکمه